

فهرست

بخش اول: مقدمات جامعه شناسی (محسنی)

بخش دوم: جامعه شناسی، رفتار سلامت و بیماری (Steven E. Barkan)

بخش سوم: طبقه، قشر، نابرابری- فقر، رفاه و طرد اجتماعی - سازمان های مدرن (گیدنز)

بخش چهارم: مهارت های آموزشی و پرورشی (شعبانی).

www.nokhbegaan.com

بخش اول: مقدمات جامعه‌شناسی (محسنی)

ساخت و کارکرد جامعه انسانی

مفهوم جامعه انسانی بیانگر دو معنی است: اول اینکه موجودات انسانی در حکم یک گروه تلقی می‌شوند و دارای روابط اجتماعی پایدار هستند، و دوم آنکه این گروه انسانی که حالتی کم و بیش مستقل دارد، دارای نوعی تداوم گروهی است، در منطقه خاصی زندگی می‌کند، از افراد هر دو جنس و تمامی سنین تشکیل می‌شود و از نظر فرهنگی دارای هویت خاص است. جامعه را غالباً بر اساس سه نگرش متفاوت و در عین حال مرتبط با یکدیگر مورد بررسی قرار داده‌اند.

الف - جامعه «گروهی از افراد» است که به شیوه‌ای کم و بیش منظم سازمان یافته‌اند، دارای روش زندگی ویژه‌ای (فرهنگ) هستند، اعضای آن از حال یکدیگر باخبرند و خود را همچون واحدی به هم پیوسته در نظر می‌گیرند.

ب - جامعه «بزرگترین گروهی» است که فرد به آن تعلق دارد، در برگیرنده تمام گروه‌های اجتماعی است که به وسیله اعضای آن سازمان یافته‌اند، و بنابراین می‌توان یک جامعه را از نظر گروه‌های موجود در آن و روابط میان اعضای آن تجزیه و تحلیل کرد.

ج - جامعه در حکم نظامی از «روابط اجتماعی» برقرار میان افراد است. وقتی از نظام اجتماعی سخن می‌گوییم، در حقیقت بر این نکته تأکید می‌کنیم که رفتار هر فرد متأثر از دیگران است، انجام برخی از رفتارها ممنوع است، و هر نوع رفتاری در ارتباط با یک نظام واحد مفهوم دارد. این رابطه‌ها از طریق فرهنگ تعیین می‌شود و به علت وجود میراث مشترک فرهنگی، میان افراد جامعه انسجام اجتماعی برقرار می‌شود. افراد جامعه می‌آموزند که در شرایط مختلف چگونه باید رفتار کنند، رفتارهایی که توسط اکثریت اعضای جامعه مورد تأیید است و به انسجام گروهی کمک می‌کند.

از نظریاتی که تاکنون به دفعات در بحث از انگیزه‌ها مورد استناد قرار گرفته‌اند، نظریه «مازلو» (A.M. Maslow) می‌باشد. وی نیازهای انسانی را به پنج دسته زیر تقسیم می‌کند:

۱- نیازهای فیزیولوژیک (آشامیدن، خوردن، خوابیدن...).

۲- نیاز به امنیت.

۳- نیاز تعلق یا پیوستگی به یک گروه.

۴- نیاز به احترام (مورد توجه قرار گرفتن فرد در جامعه).

۵- نیاز به پرورش شخصی (از طریق ورزش، هنرها و...).

بر طبق مدل او نیازهای انسانی براساس یک نظم سلسله‌مراتبی تکمیل می‌شوند و هرکدام از یک اولویت خاص بهره‌مند هستند. به اعتقاد «مازلو» زمانی یک نفر در جستجوی ارضاء یک نیاز در سطح معینی قرار می‌گیرد که نیازهای در مرتبه پایین‌تر از آن (منظور پنج مرتبه طبقه بندی بالا می‌باشد) ارضاء شده باشد. از آنجا که انواع متعدد نیازهایی که در مرتبه نهایی (دسته پنجم) قرار گرفته‌اند نمی‌توانند همیشه و برای مدت طولانی ارضاء شده بمانند، فرد همیشه در تکاپو خواهد بود و هیچ‌گاه با بی‌حرکتی مواجه نخواهد بود. هر چند که پاره‌ای از مطالعات تجربی در کشورهای مختلف این نظریه را به طور کلی تأیید کرده‌اند، با این حال گروهی از قوم‌شناسان این نظریه را مورد تردید قرار داده‌اند و اظهار داشته‌اند که در برخی از جوامع اولیه این سلسله‌مراتب از ارزشها همیشه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مشاهده شده است که شخصی در گرسنگی مزمن است و در عین حال در جستجوی ارضاء پاره‌ای از انواع نیازهای دسته پنجم نیز می‌باشد.

مرفولوژی اجتماعی و جامعه

در متون کلاسیک جامعه‌شناسی مفهوم «مرفولوژی اجتماعی» (Social Morphology) ابتدا برای این مورد استفاده قرار گرفت که برخی از پدیده‌های اجتماعی را از نظر ویژگی‌ها در مقابل دسته دیگری که «فیزیولوژی اجتماعی» (Social Physiology) نامیده می‌شدند قرار دهند. بر این اساس خانواده، دین، اقتصاد و مانند آن در دسته فیزیولوژی اجتماعی قرار می‌گرفتند و مسکن، نحوه توزیع جمعیت در مکان، شکل اجتماعات بشری (روستا - شهر) و شبکه‌های ارتباطی (راه‌ها) مرفولوژی اجتماعی خوانده می‌شدند. بدین ترتیب پدیده‌ها به علت دارا بودن مظاهر مادی یا خارجی در گروه مرفولوژی اجتماعی قرار داده شدند.

فرهنگ و جامعه

مفهوم و ویژگی های فرهنگ

واژه فرهنگ نیز، مانند مفاهیم اجتماع و جامعه به حدی در ادبیات جامعه شناسی و نیز سازمان های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است که عملاً عرضه تعریف مشخص و دقیقی از آن امکان پذیر نیست. فرهنگ (Culture) فقط مجموعه ای انباشته از آداب و رسوم و شیوه های مختلف زندگی نیست، بلکه نظامی سازمان یافته از رفتارها، و یا شیوه عمومی زندگی گروه یا گروه هایی از مردم است. عناصر فرهنگی از قبیل عادات، سنت ها، اعتقادات، ارزش ها و نقاط نظر مشترک انسانها را با یکدیگر پیوند می دهد و هویت اجتماعی به وجود می آورد.

می توان فرهنگ را مجموعه ای از کردارها و رویه های اجتماعی که در جامعه به وجود می آیند و انتقال می یابند، و عناصری مانند زبان، مناسک و مراسم، سنت ها، پوشاک، مسکن، صنایع، هنرها، و علوم از مبانی آن هستند تعریف نمود.

برخی از ویژگی ها و کارکرد های فرهنگ

فرهنگ چیزی است که:	فرهنگ دارای این کارکردهاست:
از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد.	اجتماعی کردن افراد
حالت انباشته دارد.	آموزش و پرورش
از محلی به محل دیگر می رود.	ارزش ها: درست و غلط
در پذیرش و نگهداری چیزها انتخاب می کند.	نظارت اجتماعی
ماهیتی پیچیده دارد.	هنجارها و آداب و رسوم
	اعتقادات و باور داشت ها
	نظام زندگی خانوادگی

دگرگونی فرهنگ یک گروه یا یک فرد از طریق ارتباط با سایر فرهنگ ها و نیز اخذ یا مبادله ویژگی های فرهنگی را می توان فرهنگ پذیری تعریف کرد. در یک تعریف دیگر فرهنگ پذیری مترادف با انتقال فرهنگ از یک نسل به نسل دیگر و البته در درون یک فرهنگ تصور می شود، که در این معنی فرهنگ پذیری (Acculturation) برابر با اجتماعی شدن است.

فرهنگ و شخصیت

شخصیت (Personality) ترکیبی از میراث بیولوژیک، محیط فیزیکی، فرهنگ، تجربه گروهی، و تجربه های انفرادی است. با اینکه همه اذعان دارند که میراث زیستی و فرایند اجتماعی شدن، هر دو در رشد شخصیت انسانی دارای نقش اساسی هستند، اما نکته ای که مورد توافق همه نیست اهمیت نسبی این عوامل است، و این عدم توافق سبب گردیده است که گروهی از «طبیعت» در مقابل «محیط» (یا توارث در مقابل محیط) سخن بگویند.

کلمه جامعه، به گونه ای که اشاره شد مبین وجود وحدت میان عده ای از افراد است و فرهنگ نیز بازگوکننده الگوهای رفتاری آموخته شده و مشترک اعضای یک جامعه است. با اینکه شخصیت برآیندی از رفتار است اما با رفتار متفاوت است. شخصیت در آن سوی رفتار مخفی است و در درون فرد قرار دارد. نیروهای ناشی از شخصیت در حکم آمادگی برای پاسخ دهی است. علاوه بر این مفهوم شخصیت بازگوکننده این واقعیت نیز هست که این آمادگی ها در چارچوب نوعی وحدت، حالت سازمان یافته دارند. شخصیت با آمادگی های سازمان یافته فرد برای انجام دادن، دریافت کردن، فکر کردن، و احساس کردن به گونه ای خاص درباره شخص و یا چیزی در رابطه است.

گونه شناسی فرهنگی

طبقه بندی فرهنگ به دو گونه مادی و غیرمادی، یک طبقه بندی قدیمی است. بر این اساس، فرهنگ مادی در برگیرنده آن عناصری از فرهنگ است که حالت شیء را دارند و مواردی مانند وسایل حمل و نقل، مسکن، ابزارها و ادوات کار و زندگی، و لباس را شامل می شود. در مقابل مظاهر فرهنگ غیرمادی (یا معنوی) فاقد تظاهر خارجی مستقیم هستند، مانند ایدئولوژی، دین، فلسفه، اعتقادات، باورداشتها، و ارزش های اجتماعی.

«راث بنه دیکت» (R. Benedict) مردم شناس آمریکایی بر اساس مطالعات خود و از دیدگاه رفتارگرایانه قابل طرح در جوامع اولیه، فرهنگ ها را به دو گونه «فلسفی» و «پهلوانی» تقسیم می کرد. گونه شناسی او مبتنی بر این فرض است که هر فرهنگ از میان امکانات گوناگون رفتاری برخی از انواع رفتارها را برمی گزیند. در فرهنگ فلسفی حالاتی مانند قناعت، صلح دوستی، میانه روی، تعادل، و گرایش به زندگی اشتراکی غلبه آشکار دارد، و حال آنکه در فرهنگ پهلوانی رفتارها متکی بر مبارزه جویی، پرخاشگری، رقابت، استقلال طلبی، و جاه طلبی است.

با توجه به دیدگاه «رفتارگرایانه» «دیوید ریزمن» (D. Riesman) سه گونه متفاوت فرهنگ تشخیص می دهد. نوع اول، فرهنگی است که افراد در آن دارای «ابتکار عمل» هستند و برای رسیدن به هدف های خاصی تلاش می کنند. در نوع دوم از فرهنگ، رفتار افراد جامعه متأثر از منابع بسیار گوناگونی است و آنان دارای قابلیت تطابق زیاد با دگرگونی در محیط هستند (مانند جامعه های صنعتی و بالاخره شخصیت افراد حالتی «التقاطی» دارد. در سومین نوع از فرهنگ، تبعیت بی چون و چرا از آداب و رسوم و سنتها حاکم است، «گذشتگان» عملاً بر جامعه حکمروایی دارند، و به طور خلاصه «سنت» عامل اصلی «نظارت اجتماعی» (Social Control) محسوب می شود.

پاره فرهنگ

در هر جامعه، فرد با فرهنگ های ویژه گروه های خاصی که با آنها زندگی می کند در رابطه است. از این جهت از عنوان گروه استفاده می کنیم که در جامعه های بزرگ تعداد گروه هایی که هر کس در آنها عضویت دارد زیاد است. از آنجا که همه ما ایرانی هستیم در فرهنگ نیز با یکدیگر شریک می باشیم، اما در درون این جامعه بزرگ، همچنین در بخش های کوچک تر از نظر جمعیتی نیز عضویت داریم. از برخی جهات گروه های فرعی محلی، طبقاتی، ملی، قومی، و نژادی شواهدی از تنوع فرهنگی را نشان می دهند. تفاوت این گروه ها تنها از لحاظ یک یا دو خصلت خاص نیست بلکه از خیلی جهات نظام های فرهنگی ویژه ای را می سازند. این «پاره فرهنگها» (Subculture) دنیاهایی در چارچوب فرهنگ ملی هستند.

پاره فرهنگها

با توجه به مفهوم پاره فرهنگ انواع اصلی آن را می توان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

- ۱- پاره فرهنگ های منطقه ای که بر اساس تنوع رفتارها و در رابطه با مناطق مختلف یک کشور قابل تشخیص هستند.
- ۲- پاره فرهنگ های روستایی و شهری که به ویژه در گذشته سبب پرورش افرادی با روش های متفاوت احساس، عمل و شناخت می گردید. البته در سالهای اخیر در خیلی از نقاط دنیا با ورود رادیو، تلویزیون، اتومبیل و ایجاد راه، مدرسه، برق و ... بسیاری از تفاوت های فرهنگی میان شهر و ده کاهش یافته است.
- ۳- پاره فرهنگ های مبتنی بر طبقات اجتماعی که هر چند این مفهوم محتوای سنتی خود را تا حدود زیادی از دست داده است اما افراد برخوردار از پایگاه های مختلف اجتماعی دارای شیوه های متفاوتی از رفتار هستند که ماهیت ویژه ای به آنان می بخشد. این پاره فرهنگ ها در جامعه هایی که در آنها تفاوت های طبقاتی نمایان است حالت مشخص تری دارند.
- ۴- عضویت در پاره فرهنگ های نژادی سبب پیدایی گرایش های متفاوت فرهنگی می گردد و آمادگی برای پاسخ دهی را در مقابل شرایط مختلف تغییر می دهد.
- ۵- پاره فرهنگ های ملی یا قومی که غالباً بر اثر مهاجرت افرادی از یک کشور به کشور دیگر و میان اقوام مختلف ساکن در یک کشور وجود دارد.
- ۶- پاره فرهنگ های دینی منبع مهم دیگری از نظر تنوع هنجارهای اجتماعی مؤثر بر رفتار است. در این زمینه نباید اهمیت فرقه های مذهبی که در چارچوب یک دین شکل می گیرند نیز از نظر دور بماند.
- ۷- پاره فرهنگ های شغلی نیز می تواند به دلیل ماهیت خاصی که هر یک از دسته مشاغل دارند رنگ خاصی به رفتارهای انسانی بدهد.
- ۸- پاره فرهنگ های گروهی. این نوع فرهنگ ها در هر جامعه می تواند مطرح باشد و پاره فرهنگ هایی شکل بگیرد که عیناً با گروه های مشابه خود در جامعه دیگر مشابه نباشد.

ضد فرهنگ

پاره فرهنگ هایی که در مقام مخالفت فعال با فرهنگ مسلط هستند، ضد فرهنگ (Conteraculture) نامیده می شوند.

سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی از مجموعه وسایل و امکاناتی تشکیل می شود که به نحو مداوم به فرد امکان می دهد تا به عنوان مصرف کننده و احتمالاً تولید کننده به کالاهای فرهنگی دسترسی پیدا کند.

انتقال و اشاعه فرهنگی

فرهنگ از طریق زبان و سایر نمادها انتقال می یابد. با اینکه در میان برخی از انواع حیوانات، صدا نوعی وسیله ارتباطی محسوب می شود، اما اصوات دارای نقش مؤثری در انتقال فرهنگی نیستند. انسان از طریق زبان، گذشته و حال و آینده را با هم مرتبط می کند. زبان باعث انباشته شدن دانش ها از گذشته تا حال و آینده می شود و دسترسی به این دانش ها را در سایر نقاط نیز امکان پذیر می سازد. به هنگامی که زبان علاوه بر حالت گفتاری، صورت نوشتاری نیز پیدا می کند، امکانات تازه ای برای انباشتگی فرهنگی مطرح می شود و فرایند رشد فرهنگی سرعت پیدا می کند.

تأخر فرهنگی

فرهنگ همواره در حال تغییر است، حتی در جامعه هایی که به نظر می آید ایستا و کم تحرک باشند. از آنجا که الگوهای فرهنگی یک جامعه از شیوه های رفتاری، نهادها، و سایر عناصر به هم پیوسته و منسجم تشکیل شده است تغییر در بخشی از فرهنگ (اختراع، رشد جمعیت، و یا پیدایش هر چیز نو یا متفاوت) سبب ایجاد تغییرات، تنشها و فشارهایی در سایر قسمت های فرهنگ خواهد گردید. در این حالت ضرورت و یا نیاز به تطابق و تنظیم مجدد، که سبب خواهد شد تا فرهنگ به تعادل جدید برسد، احتمالاً منجر به دگرگونی های تطابقی خواهد گردید. اما این فرایند تعادلی معمولاً خیلی سریع بروز نمی کند، و ممکن است فاصله زمانی زیادی وجود داشته باشد تا یک جزء عقب مانده فرهنگ بتواند به سایر قسمت ها برسد و یکپارچگی فرهنگی حاصل شود.

مهندسی فرهنگی

از مباحث نوینی که در طول دهه اخیر در سطح کشورهای صنعتی مطرح گردیده است مفهوم «مهندسی فرهنگی» (Cultural Engineering) است، که عبارت از علم و فن و توانایی ارائه پاسخ های مناسب از نظر کیفیت، هزینه، و مدت به درخواست هایی می باشد که از سوی کارشناسان امور فرهنگی در جهت تحقق اهداف فرهنگی، اجرای برنامه ها، تأمین سرمایه برای برنامه ها، و تحقق فنی برنامه ها صورت می گیرد.

فصل پنجم: اجتماعی شدن

مفهوم اجتماعی شدن

اجتماعی شدن (Socialisation) فرایند یادگیری عضویت در جامعه است، فرایندی که از طریق آن پیوند با جامعه آموخته می شود و موجودیت اجتماعی انسان تأمین می شود. اجتماعی شدن تجربه ای در تمام عمر است و از طریق تعاملات اجتماعی در زندگی روزمره تشکیل می شود. اجتماعی شدن بازگوکننده تمامی تجربیاتی است که از طریق آن اعضای جوان و تازه وارد جامعه، فرهنگ جامعه خویش را می آموزند و این وقتی است که از دیدگاه جمعی به این مفهوم نگاه می کنیم. فرد از طریق فرایند اجتماعی شدن درباره فرهنگ می آموزد (انتقال فرهنگی). هر فرد دانش ها، اعتقادات، ارزش ها، هنجارها، و انتظارات جامعه خویش را از این طریق کسب می نماید. از طریق یادگیری (درونی کردن) فرهنگ، انسان موفق می شود برای خویش هویت خاص کسب نماید. در پرتو تکامل اجتماعی موجود در فرایند اجتماعی شدن شخص می تواند یک موجود انسانی باشد. به عنوان نتیجه ای از این فرایند انسان دارای «خود» یا احساس هویت می گردد.

نهایت اینکه انتظارات جامعه از فرد از طریق فرایند اجتماعی شدن آموخته می شود و اجزاء آن عبارتند از:

الف - اصول مرتبط با نظم و انضباط روزمره که در حکم مهارت های اصلی برای زندگی در جامعه هستند (روش های شستشو، شیوه های خوردن و آشامیدن و ...)

ب- آرزوها، که ارزش ها و خدفا های مورد تاکید جامعه را در می گیرد (انگیزه ها، موفق شدن، ثروتمند شدن و مانند اینها)

ج - مهارت ها، که عبارتند از آن دسته از آموختنیها که از طریق آن نیل به هدفها و آرزوها امکان پذیر می گردد، مانند دست زدن به معاملات بزرگ و ثروتمند شدن.

د- نقشها، که عبارتند از الگوهای رفتاری که برای کسب و حفظ پایگاه های اجتماعی رعایت آنها لازم است.

عوامل اجتماعی شدن

نمایندگان جامعه که در طی مراحل رشد شیوه های زندگی و به طور کلی فرهنگ را انتقال می دهند عوامل اجتماعی شدن نامیده می شوند و مهم ترین عوامل عبارتند از خانواده، دوستان و معاشران، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی. این عوامل همیشه مجموعه های آموزشی ثابتی را تعلیم نمی دهند و آنچه که یک نفر از هر یک از این عوامل می آموزد ممکن است از دیگری متفاوت و حتی متضاد با آن باشد. علاوه بر محتوا، تأثیر و روش آموزش هر یک از عوامل نیز متفاوت است.

فصل ششم: گروه اجتماعی

گروه اجتماعی چیست؟

اصطلاح «گروه اجتماعی» امروزه کاربرد بسیار یافته است و دارای مفهومی به ظاهر آشکار، اما تا حدودی مبهم است. کلمه گروه در برگیرنده مجموعه ای است که از نظر وسعت و ساخت بسیار گوناگون است، و از اجتماعات در سطح ملی تا دسته بندی های سست و ناپایدار را شامل می شود. شاید تنها ویژگی مشترک در تمامی این مجموعه در پیوستگی و انسجام آشکار و یا ضمنی اعضا آن خلاصه شود. از این دیدگاه زبان عامه مردم شاید تا حدودی ما را در فهم مسأله یاری دهد، چرا که کلمه «عضو» که به افراد تشکیل دهنده گروه داده می شود، ارائه کننده تصویری از یک «هیئت» است که افراد اجزاء آن هستند، اجزایی که در عین حال وابسته و پویا هستند. کلمه گروه همچنین بازگوکننده مجموعه اقداماتی است که هر یک از افراد می توانند در اشتراک با یکدیگر به انجام رسانند.

از طرف دیگر گروه با مفهوم «نیرو» در رابطه است. عضویت در گروه گرایش به تقویت پیوستگی مشترک افرادی را بازگو می کند، که در حالت تنهایی احساس بی قدرتی می کنند.

هنگامی که بر «گروه» صفت اجتماعی را هم بیافزاییم، در این حالت «گروه اجتماعی» دارای معنی اختصاصی می گردد. این گروه، اجتماعی از افراد است که دارای علائق مشترکی هستند و میان آنها روابط متقابل اجتماعی وجود دارد. امکان وجود ارتباط متقابل یکی از عناصر اصلی در گروه اجتماعی است. خانواده، گروه های دوستانه، و گروه های همسایگی، همه در ردیف گروه های اجتماعی قرار می گیرند. شبکه ارتباطی و روابط متقابل میان اعضا این گروه ها معمولاً تا مدتها پابرجاست. با توجه به این ملاکها و تعاریف، نتیجه می گیریم که: گروه اجتماعی گروهی مرکب از تعدادی افراد است که میان آنها روابط و مناسبتی موجود باشد و افراد بر اثر نیروی پیونددهنده ای با یکدیگر به نوعی دارای مشارکت یا همبستگی باشند.

گونه شناسی گروه های اجتماعی

۱- ابعاد گروه، می توانیم گروه ها را از نظر وسعت و ابعاد آن تقسیم کنیم. گروههای کوچک مثل خانواده و به خصوص خانواده هسته ای و گروه های بزرگ مثل انجمن ها و محافل سیاسی، اجتماعی، علمی و ادبی. هنگامی که گروه از نظر تعداد اعضا افزایش می یابد این گرایش به وجود می آید که به دسته های مختلفی تقسیم شود. فقط در گروه های کوچک است که هر کس می تواند با سایرین دارای گفتگوهای دوستانه و نزدیک باشد.

۲- امکان عضویت گروه. می دانیم که ورود در بعضی از گروهها آزاد، در برخی دیگر مشروط، و در مواردی جنبه سری دارد، و همواره افراد در مقابل یکی از این حالات قرار دارند.

۳- درجه سازمان دهی. از نظر درجه سازمان بندی و روابط و مناسبات حاکم بر گروه، همه گروه های اجتماعی وضع مشابهی ندارند. بعضی از این گروه ها دارای سازمان های کاملاً مدون و مشخص هستند و در آنها روابط از پیش حساب شده وجود دارد (مثل تقسیمات شبه نظامی و واحدهای مربوط به آن). برخی دیگر را می توانیم نیمه سازمان یافته بدانیم مثل گروه خویشاوندی. انواع دیگری از گروه ها هم هستند که فاقد هرگونه سازمان مدون و مشخصی می باشند، مثل گروه همبازی ها در یک کوچه.

۴- کارکرد. می توانیم گروه ها را به اعتبار نوع فعالیت تقسیم کنیم، مثل تیم های ورزشی، اتحادیه های صنفی و تشکیلات مشابه که دارای انواع زیادی هستند. هدف از این تقسیم بندی تعیین نوع برنامه و فعالیتی است که گروه به خاطر انجام آن متشکل گردیده است.

۵- میزان صمیمیت. در هر یک از گروه های اجتماعی میزان صمیمیت و غیررسمی بودن روابط دارای تفاوت هایی است. در برخی از انواع گروه های اجتماعی میان افراد صمیمیت و همدلی حاکم است و اعضاء گروه کمتر با هم برخورد های رسمی و تشریفاتی دارند. در انواع دیگر، روابط، رسمی، حساب شده، سنجیده، و مبتنی بر سود و زیان است. چند نفری که در یک اداره با هم در یک اطاق کار می کنند ممکن است خارج از مناسبات رسمی اداری، روابط صمیمانه و حتی معاشرت های خانوادگی نیز داشته باشند.

گروه نخستین

چارلز هورتن کولی «جامعه شناس آمریکایی در سال ۱۹۰۹، اصطلاح «گروه نخستین» (Primary Group) را برای توصیف گروه هایی نظیر خانواده، همسایگی، و گروه کودکان همبازی به کار برد. به اعتقاد «کولی» احساساتی نظیر وفاداری، صمیمیت، و پیوستگی با دیگران در این گروهها آموخته می شود. صفات مشترک گروه های نخستین عبارتند از رابطه چهره به چهره، وفاداری، پیوستگی عاطفی، همکاری نزدیک، و روابط دوستانه در نظر «کولی» این صفات هر کدام در گروه های نخستین «هدف» تلقی می شوند، و نه «وسیله».

گروه ثانوی

گروههای ثانوی (Secondary Group) یا دومین نیز انواعی از گروه های اجتماعی هستند که کولی «از آنها به عنوان گونه ای در مقابل گروه های نخستین یاد می کند. به اعتقاد «کولی» گروه هایی ثانوی حالت رسمی دارند، و روابط میان افراد در آنها کمتر مبتنی بر احساس و عاطفه است. دانشجویانی که در یک دانشکده تحصیل می کنند، و یا کسانی که در یک وزارتخانه کار می کنند اعضاء گروههای ثانوی محسوب می شوند. گروههای ثانوی ارائه کننده احساس صمیمیت و همبستگی زیادی به افراد نیستند. برای اینکه افراد از کار کردن در یک مؤسسه احساس غرور کنند و خود را از اعضاء آن سازمان احساس کنند، بایستی کوشش های فراوان به کار رود.

گروه مرجع

گروه مرجع گروهی است که نگرش ها، رفتارها، باورها و یا ارزش های آن به عنوان الگو یا ضابطه، به هنگامی که فردی دست به تعریف موقعیتی می زند، ارزشیابی می کند و یا به اقدام مبادرت می کند، مورد پذیرش قرار گرفته باشد گروه مرجع (Reference Group) گروهی است که به هنگام قضاوت به آن «رجوع می کنیم، گروهی که عقاید آن، حداقل در یک مورد خاص در حکم قضاوت های مورد تأیید ما است تمایز میان گروهی که فرد در آن عضویت دارد و گروهی که برای فرد حالت مرجع را دارد سبب انجام مطالعات متعددی گردیده است. وقتی که مطالعه گرایش های سیاسی و تحرک اجتماعی مطرح می شود، توجه به گروه های مرجع امکان می دهد که نیروهای اجتماعی مخفی در فراسوی رفتارهایی را که چهره ای اسرارآمیز دارند کشف نماییم.

روابط گروهی و انواع اجتماعات [Stewart, 1988: 45]



جماعت

منظور از جماعت یا انبوه خلق (Crowd) تجمع عده ای از افراد در محل مشخصی و بر اثر بروز سانحه یا علت خاصی است. عده ای که برای تماشای حادثه ای در نقطه ای جمع می شوند و یا در تظاهرات اجتماعی و سیاسی معینی شرکت می کنند جماعت را تشکیل می دهند. جماعت ابتدایی ترین و ناپایدارترین گروه اجتماعی است و مهم ترین ویژگی های آن عبارت است

از:

- 1- وجود ارتباط یا تماس موقت و قابل از هم گسیختن میان افراد.
 - 2- گروه شکل یا سازمان خاصی ندارد.
 - 3- افراد شدید تابع احساسات و هیجانات آنی هستند.
 - 4- در مواردی عقل و منطق کافی و عادی بر انبوه خلق حکومت نمی کند.
 - 5- هیجانات و احساسات سرعت زیاد دارند و قابلیت همه گیری وجود دارد.
 - 6- افراد در این موقعیت فرصت مطالعه وتفکر کافی پیرامون آنچه انجام می دهند ندارند.
 - 7- افراد شخصیت و مقام فردی خویش را پس از پیوستن به گروه تا حدودی فراموش می کنند.
- درون گروه و برون گروه، قوم مداری

دو اصطلاح «درون گروه» (In-group) و «برون گروه» (Out-group) برای اول بار توسط سمندر» به کار رفته است. گروه‌هایی که در آنها عضویت داریم برای ما در حکم درون گروه هستند و برعکس برون گروه وقتی مطرح می‌شود که در گروهی عضویت نداشته باشیم، به ویژه وقتی که با نوعی تعصب به رابطه گروهی نگاه کنیم.

گروه‌هایی که آنها را با پسوند «من» مشخص می‌کنیم برای ما حالت درون گروه را دارند همکاران من، دوستان من، همبازی‌های من، زیرا احساس می‌کنیم که به آنها تعلق داریم. البته در میان تمامی افرادی که با یکدیگر در رابطه درون گروه هستند، همیشه سطح برابری از ارتباط یا پیوند گروهی را مشاهده نمی‌کنیم و نوعی «فاصله اجتماعی» قابل تشخیص است، که با مشاهده روابط افراد در گروه قابل بررسی است.

قوم‌مداری با گرایش‌های درونی فرد در رابطه است و معمولاً چیزی جز شکل گسترده «خودمداری» نیست. روانشناسان نشان داده‌اند که خودمداری با آن مرحله از رشد کودک ربط پیدا می‌کند که در طی آن کودک همه چیز را به شخص خود مربوط می‌کند. هر فرد به یک گروه انسانی، به یک فرهنگ و به نظام متفاوتی از ارزشها تعلق دارد، و به گونه‌ای در یک فرهنگ غوطه‌ور است که نسبت به آن هوشیاری ندارد.

همبستگی گروهی

که مقصود از همبستگی گروهی شبکه‌نیروهایی است که هدف آن حفظ روابط اعضاء گروه در جهت مقابله با نیروهای تجزیه‌کننده است.

همبستگی گروهی و رفتارهای ناشی از آن تحت تأثیر عواملی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- عوامل فرهنگی (نقاط مشترک و پیوند فرهنگی).
- ۲- ابعاد گروه (تعداد افراد و شبکه روابط اجتماعی).
- ۳- عوامل اقتصادی (نیازمندی‌های انسان عامل مهمی در برقراری رابطه با دیگران است).
- ۴- تجانس گروهی (که تأثیر قابل توجهی در پیوستگی افراد دارد)

پویایی گروه

پویایی گروه در مفهوم گسترده در برگیرنده مجموعه عناصر و فرآیندهایی است که در زندگی گروه‌ها، و به ویژه گروه‌های «چهره به چهره» (Face to Face) مطرح می‌شود، یعنی افرادی که دارای روابطی از نوع وابستگی و یا روابط متقابل اجتماعی، حداقل به طور بالقوه هستند. در این مورد، به غیر از ابعاد گروه، و یا وجود روابط چهره به چهره، می‌توان چند زمینه اصلی رابطه با سازمان اجتماعی، ارتباط با هنجارهای پذیرفته شده، و رابطه با هدف‌های جمعی را تشخیص داد.

وقتی که گروه به عنوان یک کانون روابط متقابل اجتماعی مطرح است می‌تواند به طور مستقیم متکی به سازمان اجتماعی باشد، و یا رابطه در جهت تحقق یک هدف یا برنامه خاص باشد. در مورد اول باید آن را گروه سازمان یافته دانست و در مورد دوم گروه خود به خودی. قواعدی که به نحو آشکار و یا به طور ضمنی توسط افراد گروه اجرا می‌شود، ممکن است پیش از تشکیل گروه وجود داشته باشد و یا به موازات تکوین حیات گروهی توسط اعضای آن به مرحله اجرا درآید. از این رو بر حسب مورد آن را گروه رسمی و یا غیر رسمی می‌نامیم.

نهادهای اجتماعی

مفهوم نهاد اجتماعی

نهادها (Institutions) نظام‌های هنجاری مرتبط با هم و مبتنی بر ارزش‌های مشترک هستند. نهادها در درون یک جامعه گسترش عمومی دارند و در نهایت شیوه‌های مشترک اقدام، تفکر و احساس هستند. آنها عمیقاً در زندگی مشترک اجتماعی مطرح هستند و به رفتارهای اجتماعی رایج جهت می‌دهند، رفتارهایی که فعالیت اجتماعی بر آن اساس انجام می‌شود و تداوم می‌یابد. نهادها در حکم جنبه‌های مرکزی «ساخت اجتماعی» و ساختار سازمانی فعالیت‌های انسانی هستند.

نهاد نظام سازمان یافته‌ای از روابط اجتماعی است که در برگیرنده برخی از ارزش‌ها و فرآیندهای مشترک می‌باشد و برای پاسخگویی به برخی از نیازهای اساسی جامعه به وجود آمده است. در این تعریف، ارزش‌های مشترک، با اشتراک در اندیشه‌ها

و هدف ها در رابطه است. فرآیندهای مشترک، الگوهای رفتارهای استاندارد شده هستند که گروه آنها را تعقیب می کند، و نظام روابط عبارت است از شبکه نقش ها و پایگاه هایی که از طریق آنها رفتار صورت می گیرد.

نقش فردی و رفتار نهادی

نقش نهادی مجموعه ای از انتظارات رفتاری است که فرصت چندانی به ظهور تمایلات شخصی نمی دهد. مثلا همه قضات به هنگامی که در دادگاه هستند رفتارهایی دارند که به کلی با آنچه که در ساعات دیگر انجام می دهند متفاوت است. وظایف و امتیازات افراد زیر نفوذ کامل نقش نهادی آنهاست و انحراف از این نقش ها ممکن است گاهی برای شخص خطرناک هم باشد.

ویژگی های نهادهای اجتماعی

- 1- نهاد ماندنی و دیرپاست، و از هنگام تشکیل دارای درجه ای از تداوم است.
- 2- از آنجا که نهادها بالنسبه دائمی هستند، معمولا تغییرات آنها تدریجی و آرام است و مقاومت آنها در مقایسه با گروه های اجتماعی در مقابل دگرگونی های زمانه بیشتر است.
- 3- نهادها به طور کلی طرح ریزی نشده هستند، اما در مقام پاسخ دهی به برخی از نیازهای اساسی عمل می کنند.
- 4- نهادها دارای نماد (سمبل)هایی هستند که برای حفظ وفاداری و پیوستگی اعضاء آن به کار می آیند (مانند بیرق یک کشور یا علامت صلیب برای مسیحیان).
- 5- نهادها دارای قوانین، ضوابط، و هنجارهای رفتاری هستند که از طریق آن ایفای نقش ها و رفتارهای اعضاء مشخص می شود (مانند سوگند خوردن پزشکان، سوگند وفاداری نمایندگان مجلس، و ضابطه های اخلاقی در علم و آموزش و پرورش).
- 6- نهادها دارای درجات متفاوتی از ساخت هستند. نهادها را می توان در طیف گسترده ای از ساخت های خشک و خشن، و یا قابل انعطاف و سست قرار داد.
- 7- نهادها در عملکرد خود کارکردهای متنوعی را عهده دار هستند، و به نیازهای مشترک تعدادی از افراد پاسخ می دهند.
- 8- نهادهای مختلف اجتماعی در نظامی از وابستگی درونی متقابل با یکدیگر مرتبط هستند.

سازمان اجتماعی

سازمان اجتماعی چیست؟

سازمان اجتماعی عبارت از مجموعه یا ترکیبی از عناصر مختلف (مثلا فرد یا گروه) است که دارای موجودیت و یا نوعی وحدت قابل تشخیص و شناخت است و خصلتهای عناصر به وجود آورنده آن را دارد. با اینکه سازمان اجتماعی می تواند حالتی متغیر داشته باشد، اما ماهیت آن ایجاب می کند که با ثبات باشد.

علاوه بر مفهوم کلی جامعه شناختی، سازمان اجتماعی دارای دو کاربرد اختصاصی نیز هست که یک کاربرد مربوط به استفاده از این واژه برای تعیین نوع سازمان مورد مطالعه است (مانند سازمان اجتماعی یک کارخانه) و دیگری مفهومی به عنوان مترادف با ساخت اجتماعی جامعه شناسان عموما مفهوم سازمان اجتماعی را بر ساخت اجتماعی ترجیح می دهند. آنان اعتقاد دارند که اصطلاح ساخت اجتماعی دقت زیادی ندارد و همواره محل برخورد نظریه های به کلی مخالف یکدیگر بوده است.

سازمان های رسمی و غیر رسمی

سازمان های رسمی گونه ای از سازمانهای اجتماعی در مفهوم کلی هستند و دیدیم که سازمان اجتماعی نیز در حکم شبکه ای از روابط میان افراد و گروه هاست که آنها را با جامعه مربوط می کند. سازمان رسمی فقط یک گونه از سازمان اجتماعی است. سازمان های رسمی همچنین از گروه های کوچک (مانند گروه های دوستانه و یا گروه های کار) و نیز نهادهای اجتماعی نیز متمایز هستند.

گروه دوستانه گونه ای از سازمان غیررسمی است که به طور تصادفی به وجود می آید و عملکرد آن تابع قوانین مشخصی نیست و به نحو مبهمی برخی هدفهای دوستانه را تعقیب می کند. سازمان رسمی به طور ارادی تشکیل می شود و چند هدف تعریف شده و مشخص را دنبال می کند. سازمانهای غیررسمی نیز گروه هایی سازمان یافته هستند. همه گروه های انسانی دارای ساخت می باشند، اما دارای ساخت رسمی نیستند. این سازمانها رهبران و پیروانی دارند، و رویه ها و ممنوعیت هایی در آنها وجود دارد، اما قوانین، عناوین، و مقامات حالت مکتوب و مدون ندارند. معمولا سازمانهای غیررسمی همان گروه های

نخستین هستند و حال آنکه سازمان های رسمی از نوع گروه های ثانوی می باشند. مانند تمام گروه های ثانوی، سازمان های رسمی دارای تقسیم بندی هستند، اما در عین حال می توانند در درون خود گروه های نخستین و یا محافل دوستانه را هم در برداشته باشند. سازمان های رسمی وقتی ظاهر می شوند که یک گروه آن قدر وسعت پیدا کند که دیگر نتواند امور خود را به گونه ای غیررسمی سازمان دهد.

ساخت سازمانی

برحسب تعریف، سازمانها دارای ساخت هستند و ساخت سازمانی مجموعه متوازی از هنجارها، انتظارات، قواعد و رویه های مکتوب و غیر مکتوب و یا رسمی و غیررسمی است. ساخت پرسنلی شبکه ای از افراد، نقشها، و پایگاه هاست که فعالیت های سازمان از طریق آن به مرحله اجرا در می آید.

ماهیت دیوان سالاری (بوروکراسی)

درک کنونی، از بوروکراسی های نوین اساساً مدیون مطالعات «ماکس وبر» است. او کسی بود که اولین بار به نحوه فعالیت سازمان های رسمی و کارکردهای آن توجه کرد «وبر» گسترش بوروکراسی را مترادف با سلطه یا سروری این مؤسسات در دنیای غرب تشخیص میداد. وقتی انسان در طول حیات دست به انجام طرح هایی زد که نیازمند سازمان دهی فعالیت انسانی در حوزه های خارج از آنچه که خانواده و یا «کلان» می توانست تدارک ببیند گردید، اولین بوروکرات ها (دیوان سالاران) ظاهر شدند. برخی از محققان مانند «وینفولگ» اعتقاد دارند که احتمالاً آبیاری در عهد قدیم و طرح های کنترل سیل در ابتدا ضرورت تقسیم کار منظم و سازمان یافته را مطرح کرد اما در عصر جدید بوروکراسی (Bureaucracy) یا دیوان سالاری را گونه ای از سلسله مراتب سازمانی تعریف می کنند که به منظور هماهنگی اقدامات افرادی که در یک سازمان بزرگ فعالیت می کنند به وجود آمده است. با الهام از نوشته های «ماکس وبر» می توان بوروکراسی را دارای چهار خصلت زیر دانست:

- ۱- تخصص، که منظور از آن واگذاری هر کار به یک متخصص است.
- ۲- انتصاب بر اساس شایستگی و لیاقت حرفه ای، که پیدایی نیروی انسانی شایسته را تضمین می کند.
- ۳- رسمیت و غیرشخصی بودن، که مفهوم آن اجرای فرآیندها به گونه ای بی طرفانه است.
- ۴- زنجیر دستورات که اقتدار هر شخص را معین می کند. ماکس وبر» بر این عقیده است که از دیدگاه جامعه شناسی در یک سازمان آنچه که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد مشروعیت «تسلط» است و او سه گونه خاص از تسلط و در نهایت سه نوع مشروعیت سازمانی تشخیص می دهد که عبارتند از: مقدس مآبانه، سنتی، و عقلایی. از این سه نوع «تسلط» صور متفاوتی از «اطاعت» ناشی می شود.

نابرابری ها و طبقات اجتماعی

قشربندی اجتماعی

وقتی که جامعه شناسان از قشربندی اجتماعی (Social Stratification) سخن می گویند منظور آنها بیان این نکته است که برخی از افراد موقعیت هایی را در اختیار دارند که بالاتر، بیشتر، و... تلقی می شود و برخی در موقعیت های مخالف هستند. البته این نظر به این مفهوم نیست که مثلاً افرادی که در موقعیت های بالاتری قرار دارند دارای برتری ذاتی بر افرادی هستند که در موقعیت های پایین تر قرار دارند و بالعکس.

مفهوم طبقه اجتماعی

کار با توجه به نکاتی که در بحث از قشربندی اجتماعی به آن اشاره کردیم مشاهده می شود که یکی از مهم ترین ملاک های قشربندی اجتماعی، طبقه است و می توان طبقه اجتماعی را گروهی از افراد دانست که دارای پایگاه اجتماعی بالنسبه مشابهی هستند و از لحاظ عواملی مانند امتیازات خانوادگی، و شرایط «حرفه ای - آموزشی - درآمد» با هم تقریباً مساوی می باشند. این تعریف آنچه را که در نظر می آورد مجموعه ای از سلسله مراتب از نظر طبقه بندی اجتماعی است. بدیهی است که طبقه اجتماعی تحت تأثیر عوامل مختلفی تعیین و شناخته می شود، و در جامعه های معاصر مهم ترین عوامل تعیین کننده طبقه

اجتماعی را به طور کلی می توان به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- ثروت و درآمد/ ۲ - سطح و کیفیت آموزش / ۳ - شغل و موقعیت حرفه ای / ۴- خانواده و گروه خویشاوندی و ۵ - قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی.

پایگاه اجتماعی

پایگاه مجموعه حقوق و تکالیفی است که بیانگر موقعیت یک فرد در رابطه با دیگران است، اعم از اینکه این روابط افقی یا عمودی، مبتنی بر تساوی و یا سلسله مراتب؛ و یا مرتبط با منافع، اعتبار اجتماعی و یا افتخار باشد. بسیاری از مردم واژه پایگاه (Status) را برای توصیف میزان اعتبار اجتماعی یک فرد به کار می برند. البته جامعه شناسان هم این کلمه را در رجوع به هر موقعیت (Position) در جامعه به کار می برند. موقعیت های رسمی یا غیررسمی، سازمانی یا غیر سازمانی، و... همه گونه ای از پایگاه هستند. هیچ کس فقط دارای یک پایگاه نیست. همه ما در آن واحد دارای تعدادی پایگاه هستیم و تمامی پایگاه ها اهمیت یکسان ندارند و به علت تفوق بیشتری که برخی از پایگاه ها دارند آنها را پایگاه های مسلط می دانند، چرا که حالتی تعیین کننده در سایر پایگاه ها و موقعیت های فرد در زندگی دارند. ثروتمند یا فقیر بودن موقعیت های متفاوتی برای یک فرد به عنوان همسر، دوست، برادر، همسایه و... (به عنوان سایر پایگاه ها) ایجاد می کند. شنیده ایم که می گویند فلانی (که مثلاً ثروتمند یا صاحب فلان مقامی است دوست یا فامیل «من» است. برعکس پایگاه های اشخاص فقیر یا ناشناخته، دون پایه، و... و اظهار پیوستگی با آنها غرورآفرین نیست و افراد حتی اگر صاحب ارتباط نزدیکی با فردی از این گروهها هم باشند ممکن است در صدد نادیده گرفتن و یا حتی نفی آن برآیند. از سوی دیگر می دانیم که هر پایگاه اجتماعی با نقش های خاص همراه است و حق و تکلیف با پایگاه اجتماعی مرتبط است که مترادف با رفتارهای فردی مورد انتظار توسط گروه در شرایط اجتماعی خاص می باشد.

طبقه و پایگاه اجتماعی

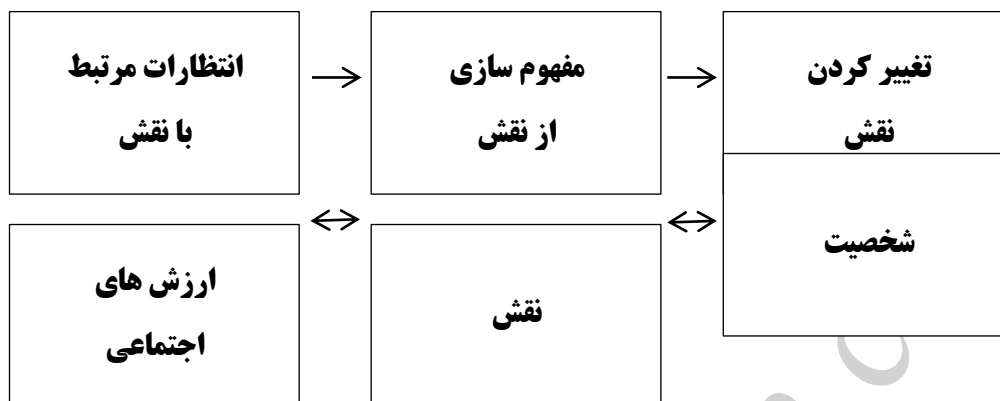
پایگاه طبقاتی هر فرد به تعدادی از عوامل وابسته است، و بدیهی است که شغل خیلی مهم است. پایگاه یک پزشک از این جهت از یک رفتگر برتر است که شغل آنها متفاوت است. اما پایگاه طبقاتی در عین حال عوامل دیگری نظیر آموزش، سطح درآمد، شیوه زندگی، و الگوهای مصرف را نیز در نظر دارد. جامعه شناسی علمی است که از قضاوت ارزشی باید مبرا باشد. بی تردید اگر دو نفر فرضی فوق با هم قدری صحبت کنند ممکن است توجه پیدا کنند که در زمینه خاصی با هم اشتراک نظر دارند و یا به چیزهای مشابهی هر دو علاقه دارند، اما این مکالمه آنها به اغلب احتمال هرگز به «همدلی» و «همزبانی» بلند مدت نمی انجامد و ارتباط آنها تحت تأثیر سمبل های متفاوتی که مثلاً از لحاظ لباس و طرز حرف زدن با خود دارند قرار خواهد گرفت.

پایگاه و نقش اجتماعی

اگر پایگاه موقعیت های ویژه ای باشد که شخص در جامعه اشغال کرده است، نقش رفتاری است که از چنین شخصی انتظار می رود. بدیهی است که نقش ها به وسیله تمامی افراد دارای موقعیت مشابه به یک نحو ایفا نمی شود، اما در یک جامعه مبتنی بر فاصله بندی اجتماعی، گونه ای توافق جمعی در زمینه پایگاه ها و نقش ها وجود دارد. نقش (Role) اجتماعی در حقیقت مجموعه «انتظاراتی» است که به یک پایگاه اجتماعی خاص ضمیمه است. وقتی ما صاحب پایگاهی هستیم، نقشی را هم که با آن پایگاه مرتبط است ایفا می کنیم. نقش «رفتاری» است که دیگران از ما انتظار دارند، چرا که ما ایفای وظیفه خاصی را بر عهده داریم و یا آنکه پایگاه مشخصی را اشغال کرده ایم. برخی از هنجارها (Norm) نیز با پایگاه ها مرتبط یا همراه با آن هستند. در نقش برادر یا خواهر، از ما این انتظار می رود که حالتی مهربان، حامی، صديق و وفادار داشته باشیم. در

نقش یک استاد از ما این انتظار وجود دارد که به کلاس برویم، مطالب جالب و مفیدی عرضه بداریم، در نمره دادن دقیق باشیم، در تمامی ساعات درس حضور داشته

رابطه میان جنبه های مختلف نقش



باشیم، و دانشجویان را راهنمایی کنیم. ایفای نقش های اجتماعی حالتی شبیه نقش در یک صحنه نمایش (مانند تئاتر) را دارد. اگر قرار است نقش «هاملت» را ایفا کنیم. بدیهی است ناظران انتظار ندارند که نقش «رومئو» را از ما مشاهده کنند، چیزی که گاهی در زندگی معمولی مشاهده می شود!

بنابراین نقش مفهومی «هنجاری» است و مبتنی بر آن چیزهایی است که از ما انتظار می رود انجام دهیم و نه الزاما آنچه که معمولا در یک زمان انجام می دهیم. وقتی آنچه که ما انجام می دهیم خیلی دور از چیزی باشد که دیگران انتظار دارند، معمولا مورد انتقاد، و تنبیه قرار می گیریم، و یا ممکن است ما را در مسیر اصلی هدایت کنند، چرا که نتوانسته ایم به تقاضای مرتبط با نقش پاسخ دهیم. جامعه شناسان آنچه را که مردم واقعا در موقعیت یا پایگاه ویژه ای انجام می دهند نقش «عمل شده» می نامند. این مفهوم بر این نکته تکیه دارد که ممکن است عدم تشابهی میان انتظاراتی که موقعیت ها از ما دارد و آنچه که در زندگی واقعی انجام می دهیم وجود داشته باشد.

تحرك اجتماعی

جامعه شناسان امروزه بیشتر در صدد شناخت سلسله مراتب یا نردبانی از پایگاههای اجتماعی هستند که افراد از آن بالا می روند و یا پائین می آیند. موقعیت هر فرد در این نردبان طبقه / پایگاه از طریق عوامل زیادی تعیین می شود و تحرك میان طبقات امکان پذیر است، حرکتی که «تحرك اجتماعی» (Social Mobility) خوانده می شود.

می دانیم که تحرك صعودی طبقاتی حرکتی به سوی موقعیت برتر است، و حال آنکه هر تحرك شغلی الزاما به مفهوم دگرگونی پایگاه طبقاتی فرد در جهت صعودی و یا نزولی نیست. مفهوم دیگر در این زمینه «تحرك تسلی» (Generational Mobility) است که به معنی سنجش موفقیت یک شخص در مقایسه با نسل والدین او می باشد. بدیهی است که افراد در سلسله مراتبی از نظر صعود و نزول در موقعیت های اجتماعی قرار دارند، اما مسأله این است که بدانیم آیا تحرك صعودی در یک جامعه بیشتر است یا نزولی و آیا نسبت آن به میزانی که در گذشته وجود داشته است، می باشد یا خیر؟

پاورهای اجتماعی

هنجارهای اجتماعی

هنجار یک قاعده رفتاری است که مشخص می کند مردم در شرایط معینی چگونه رفتاری باید داشته باشند. فایده این استاندارد رفتاری آن است که به بقای الگوهای روابط متقابل اجتماعی و شیوه های انجام امور کمک می کند. هنجارها از این بابت بر ارزش ها و نگرش های اجتماعی اثر می گذارند که تجویز کننده و در عین حال نهی کننده رفتارها هستند. هر

فرهنگ، پاره فرهنگ و یا هر گروه دارای هنجارهایی است که بر آن حاکم است؛ و از این طریق رفتارهای متناسب را تعیین می کند. قوانین، طرز لباس پوشیدن، مقررات اداری، برنامه تحصیلی، قواعد ورزش ها و بازیها، همه گونه هایی از هنجارهای اجتماعی هستند. هنجارهای اجتماعی همواره با یک چالش عمده در زندگی اجتماعی افراد در رابطه قرار می گیرند: آنچه که افراد در جنبه های مختلف زندگی خود انجام می دهند و آنچه که افراد از دیگران معمولاً انتظار دارند.

قدرت هنجارها بسیار متفاوت است و یکی از راههای سنجش تعیین اهمیت نسبی آنها پاسخ هایی است که برای آنها تعیین شده است. این پاسخ یا تنبیهی است که فرد در صورت تخلف از یک هنجار دریافت می دارد و یا پاداشی است که در حالت تبعیت از آن برخوردار می گردد. این پاسخ ها می توانند بسیار متنوع باشند: نگاه در چهره یک نفر به هنگام امتحان، بیان یک کلمه تند از سوی همسر یا رئیس یک شخص، کلمه محبت آمیز یکی از والدین، دریافت برگ جریمه از یک مأمور راهنمایی و رانندگی، حبس ابد و یا حتی اعدام.

«ویلیام گراهام سمنر» از اولین جامعه شناسانی است که دست به طبقه بندی هنجارها زده است. طبقه بندی وی اساساً متوجه شناخت تنوع هنجارهای اجتماعی است، که آنها را به سه دسته به شرح زیر تقسیم می کند:

- ۱- شیوه های قومی، که عبارتند از عادات یا روش های سنتی انجام کارها.
- ۲- رسوم اجتماعی، که رویه های کرداری ضروری هستند و برای رفاه جامعه لازم شمرده می شوند.
- ۳- قوانین، هنجارهایی هستند که توسط مقامات دولتی برقرار می شوند و به علت ضمانت اجرایی که واجدند دارای مشروعیت قانونی هستند.

ارزشهای اجتماعی

اهمیت ارزش ها به عنوان بخش های مهمی از فرهنگ از این جهت است که در نحوه انتخاب مردم و چگونگی گسترش نظام های اجتماعی و تغییرات آنها تأثیرگذاری می کند با اینکه هر فرد برای خود اهداف و آرزوهایی را به وجود می آورد، اما فرهنگ نیز مجموعه ای کلی از هدف ها را برای اعضایش تدارک می بیند. ارزشها (Value) در حقیقت مفاهیمی جمعی هستند از آنچه که از نظر فرهنگی خوب، مطلوب و مناسب و یا اینکه بد، غیر مطلوب و نامناسب تلقی می شود. ارزش های اجتماعی تعیین می کنند که برای مردم یک جامعه چه چیز مهم است و چه چیز از نظر اخلاقی درست است. ارزش ها ممکن است در مواردی جنبه مشخص و عینی داشته باشند مانند احترام گذاشتن به والدین و یا صاحب خانه بودن و یا اینکه حالت کلی تری داشته باشند، مانند سلامتی، عشق و یا دموکراسی به تعبیر «راکیچ» (Rockeach) ارزش ها عبارتند از مجموعه سازمان یافته از قواعدی که نقش آنها انتخاب و پاسخگوئی به تضادهاست.

ارزش می تواند شامل علاقمندی ها، لذات، دوست داشتنی ها، ترجیحات، وظایف، الزامات اخلاقی، تمنیات، خواسته ها، نیازها، نفرتها و جذابیت ها و به طور کلی بسیاری از الگوهای جهت گیری انتخابی باشد.

اصطلاح «نظام ارزشی» (Value System) به الگوی سازمان یافته ارزش های یک جامعه یا گروه برمی گردد که در آن ارزش های فردی با یکدیگر مرتبط می شوند تا همدیگر را تقویت کنند و یک کل منسجم بسازند.

نگرش اجتماعی

نگرش (Attitude) در جامعه شناسی دارای دو جنبه است. در اولین تعریف به عنوان جایگزینی برای مفاهیم باورها و ارزش ها به کار می رود. مطالبی مانند اینکه دولت به خدمات بهداشتی کم توجه است» از این نوع است. تعریف دوم نگرش در چارچوبی فراتر از باورها و ارزشها قرار می گیرد و جهت گیری افراد نسبت به جهان پیرامون و آنچه در آن می گذرد را هدف قرار می دهد. در اینجا تمایلات احساسی فرد نسبت به اقدام در آینده مطرح است، مانند اینکه فردی اظهار کند که باید در انتخابات آینده از فلان کاندیدا حمایت کرد.

از نظر مفهومی نگرش ساخت ذهنی مخفی در شخصیت است، و آن را می توان «آمادگی ویژه فرد از نظر روانی در روبه روئی با پدیده ها، چیزها، وقایع و عکس العمل توأم با هیجان نسبت به آنها دانست. نگرش های افراد ناشی از گذشته آنها و تجربیات مختلف زندگی می باشد. همانند رشد شخصیت، اشخاص برجسته و یا برخوردار از موقعیت های خاص در زندگی افراد (مانند والدین، دوستان، اعضاء گروه های اجتماعی و حرفه ای و...) دارای نفوذ زیادی در تکوین نگرش ها هستند «کولتز» پژوهشگر

علوم ارتباطی عقیده دارد که نگرش‌ها را می‌توان گونه‌ای از سیستم‌های پیچیده و منظم عقیدتی دانست که انسان‌ها را آماده انجام واکنش‌های رفتاری خاص می‌نمایند و علاوه بر این، تمامی ابعاد رفتار بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. واژه نگرش از نظر محتوای موضوعی با ابهام، گستردگی، تحول مفهوم، تفاوت در برداشت‌ها، و تفاوت معنی در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی جامعه‌شناسی - روانشناسی اجتماعی مواجهه بوده است. به نظر می‌رسد اختلاف دیدگاه‌ها و تفاوت مفهومی آن از وقتی بیشتر شده است که، واژه «نگرش» با به کارگیری در موضوعات مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با پسوندهای متفاوت ادا شده است. نگرش، در حقیقت آمادگی اقدام و یا رفتار به شیوه خاصی و محرکی برای اقدامات معین است. نگرش‌ها وابسته به ارزش‌ها هستند و هر دو آنها، مبتنی بر اندیشه‌ها و اعتقاداتی هستند که از طریق مشاهده و تعمق در رفتار دیگر مردمان به وجود می‌آیند، و از آنجا که نگرش و ارزش‌ها از طریق فرهنگ تعریف می‌شوند، از جامعه‌ای تا جامعه دیگر تفاوت دارند در قلمرو روانشناسی اجتماعی نگرش را در ارتباط با سه عنصر متشکله آن به شرح زیر بررسی می‌کنند.

- ۱- **عنصر عاطفی**، شامل احساسات و عواطف درباره شخص، ایده، واقعه، و یا شیئی (ایجاد حالت ترس، محبت، نفرت، ...) این عنصر به وجود آورنده آمادگی خاص در فرد است.
- ۲- عنصر شناختی، شامل عقاید، اعتقادات، آگاهی‌ها، یا اطلاعاتی که توسط فرد کسب می‌شود (اعتقاد به خوبی یا بدی چیزی). این عنصر عامل ایجاد باور و شناخت می‌باشد.
- ۳- عنصر رفتاری، شامل قصد و آمادگی برای اقدام. این عنصر شیوه رفتار فرد را مشخص می‌نماید. به طور کلی ویژگی‌های اصلی نگرش‌های اجتماعی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:
 - ۱- نگرش‌ها حاوی مفاهیم ارزشی نسبت به پدیده‌های اجتماعی هستند و سبب تحرک رفتاری می‌شوند.
 - ۲- نگرش‌ها از نظر کیفیت و شدت (یا قدرت) بر روی یک محور از حالت مثبت تا منفی تداوم دارند.
 - ۳- نگرش‌ها حالت آموخته دارند و نتیجه تکوین و رشد شخصیت هستند.
 - ۴- نگرش‌ها دارای مراجع اجتماعی مشخص در جامعه هستند.
 - ۵- نگرش‌ها به درجات متفاوتی با یکدیگر پیوستگی متقابل دارند.
 - ۶- نگرش‌ها تقریباً ثابت هستند و تداوم دارند.

انحرافات اجتماعی

انحراف اجتماعی

جامعه‌شناسان معمولاً انحراف (Deviance) را به تخطی از هنجار اجتماعی که معمولاً به محکومیت یا تنبیه خلافکار منجر می‌شود تعریف می‌کنند.

انحراف امری نسبی است و جنبه مطلق ندارد. مردمان نه به طور تمام و کمال بر طبق تمامی هنجارها عمل می‌کنند و نه کاملاً حالت منحرف (Deviant) دارند.

با مطالعه در ویژگی‌های انحراف می‌توان عناصر زیر را تشخیص داد:

- ۱- هنجارهای یک جامعه است که ویژگی‌ها و رفتارهای معینی را تجویز می‌کند.
- ۲- افراد یک جامعه هستند که ویژگی‌ها و رفتارها را متجلی می‌سازند.
- ۳- همواره عدم تأیید اجتماعی در قبال افرادی که ویژگی‌ها و رفتارهای معینی را بروز می‌دهند مطرح است.
- ۴- برخی از رفتارها از رفتارهای عادی متدرجاً طرد می‌شود.
- ۵- با توجه به انزوای اجتماعی برخی از رفتارها، زمینه برای ایجاد گروه‌های منحرف هموار می‌شود.

انواع انحراف

در ابتدا باید یادآور شویم که تمایز میان «انحراف اولیه» (Primary Deviance) و انحراف ثانوی (Secondary Deviance) دارای اهمیت زیاد است. انحراف اولیه، انحرافی خیلی مهم نیست و تصویر فرد از خویش را چندان متأثر نمی‌سازد. اشخاص ممکن است این گونه استدلال کنند که اقدامات انحرافی در چارچوب مرزهایی کم و بیش معقول، قابل قبول و

رفتار عادی اشخاصی مشابه آنها محصور است. رفتار انحرافی با شخص کم و بیش هم سوئی دارد و پایگاه و نقش اجتماعی شخص را تحت تأثیر قرار نمی دهد.

امروزه جرائم سازمان یافته را در سه دسته متفاوت زیر می توان طبقه بندی کرد

- ۱- در پوشش فعالیتها و کسب و کار قانونی مانند رستورانها (که نقش واقعی آنها مثلا توزیع مواد مخدره است).
 - ۲- فعالیت های غیرقانونی مانند وارد کردن و فروش مواد مخدر، قمار، و حلقه های گسترده فحشاء.
 - ۳- پولشویی یا تطهیر «پول های آلوده» (حاصل از منابع مختلف غیرقانونی به منظور حمایت) از اهداف خاص.
- نوع دیگری از انحراف، فساد است (Corruption) و آن را می توان به دوگونه فعال و غیرفعال تقسیم کرد. فساد فعال وقتی است که مثلا پول برای اخذ امتیاز معینی از یک مقام اداری - سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد، مانند مدیر یک مؤسسه اقتصادی که برای کسب امتیازات خاصی در بازار به یکی از مقامات اداری رشوه بپردازد. در مقابل فساد غیرفعال حالتی است که برای رشوه گیرنده مطرح می شود، چرا که او قبول می کند در مقابل دریافت پول امتیازات موردنظر پرداخت کننده رشوه را برای او فراهم نماید.
- از سوی دیگر با توجه به مطالعات جامعه شناسی ریشه های اجتماعی انحراف را می توان در گروه های زیر طبقه بندی کرد:
- ۱- دگرگونی در هنجارها و بی هنجاری، ۲- تضاد و برخورد ارزشها، ۳- ارائه تعاریف جدیدی از چیزها، ۴- ضایعات اجتماعی، ۵- عدم دسترسی به اهداف، ۶- تضاد میان هدفها و وسایل، ۷- عدم صمیمیت و دورویی، ۸- انعطاف جامعه در مقابل مجرمین یقه سپید و خواص.

****برای اطلاع از نحوه دریافت جزوات کامل با شماره های زیر تماس حاصل فرمایید.**

۰۲۱/۶۶۹۰۲۰۶۱-۶۶۹۰۲۰۳۸-۰۹۳۷۲۲۲۳۷۵۶

۰۱۳/۴۲۳۴۲۵۴۳ (لاهیجان)

خرید اینترنتی:

Shop.nokh.ir